

# بی توجهی حکومت به اعتراض های مدنی و پیامد های احتمالی آن

علی قادری

## سرمقاله

### حاشیه های پروسه رای اعتماد به کابینه پیشنهادی

محمد رضا هویدا

یکی از اموری که به صورت معمول در افغانستان جنجال برانگیز و حاشیه ساز می باشد، معرفی کابینه و رای اعتماد نمایندگان مجلس به نامزد وزرا است.

حساسیتی که نسبت به کابینه وجود دارد، چند چیز مهم را نشان می دهد. اول اینکه دولت افغانستان تا هنوز هم در قسمت ساختن سیستم دولت داری ناموفق بوده است و افراد چنان مهم پنداشته می شوند که گویا هر کسی وزیر شود می تواند تمامی کارها را به نظر خود انجام دهد.

به همین جهت نیز با نامزد وزرا طوری برخورد می شود که گویا افسردگی با صلاحیت عام و تام و بدون پاسخدهی به وزارت خانه ها گماشته می شود. و دوم اینکه برخورد با نامزد وزرا نیز معمولاً سلیقه ای و بدون در نظر داشت ملاک ها و معیارهای تعریف شده می باشد.

حاشیه هایی که در مورد معرفی نامزد وزرا و رای اعتماد به آنها ایجاد می شود، گاهی به صورت آرام و غیر رسمی در میان گفته و نظرهای مردم شنیده و دیده می شود و گاهی نیز از زبان بعضی از وکلا و دولتمردان چیزهایی بروز می کند. اما در کل مردم افغانستان، پروسه رای اعتماد به نامزد وزرا را همراه با مسایلی می دانند.

چهر و بحث هایی که در مورد پشت پرده رای دهی به نامزد وزرا هر از گاهی شنیده می شود، وضعیت نگران کننده ولسی جرگه را نشان می دهد.

وضعیتی که جزئی از بحران افغانستان به حساب می آید. از غیر حاضری ها و عدم تکمیل نصاب پارلمان برای تصویب قوانین و همین گونه اختلافات بر سر قوانینی که در نهایت به مسکوت ماندن قوانین و از بحث خارج شدن آنها انجامیده است، که بگذریم، در صورتی که موضوع تقاضاهای فراقانونی از سوی مردم برخی از نمایندگان از نامزد وزرا درست باشد، ولسی جرگه باید با جدیت به این موضوع رسیدگی کند.

بحث تنها بر سر این نیست که یک یا چند تن از نمایندگان درخواستی غیر قانونی از یک نامزد وزیر داشته و یا نداشته اند، بلکه موضوع اصلی، شکستن اعتبار یک نهاد قانونی که مسئول قانون گذاری در کشور است و یکی از پایه های اساسی دموکراسی در کشور می باشد.

تخریب وجهه قوه مقننه برای یک کشور در حقیقت بردن کشور به سوی بحران اعتماد است.

سئوال های جدی ای در مورد عملکرد قوه قضاییه وجود دارد. همان گونه که سئوال های جدی در مورد عملکرد قوه مجریه از سال های سال وجود داشته و دارد، و پاسخ جدی به این سئوالات داده شده است.

پاسخ داده نشدن به سئوالاتی که در مورد ولسی جرگه وجود دارد و سئوالاتی که روز به روز بیشتر می شود، به میزان اعتماد مردم به این نهاد تاثیر منفی می گذارد.

مردم زمانی به حکومت باورمند خواهند شد که بتوانند پاسخ سئوالات خود را دریافتند.

تنها زمانی افراد برآمده از یک پروسه ملی می توانند در امور محوله شان موفق باشند که پروسه نیز قانونی و بدون شک و شبهه باشد. به هر صورت پارلمان که در گذشته با رای ند انن به شماری زیادی از افرادی که به نظر بسیاری ها لیاقت حضور در کابینه را داشتند، سئوالات زیادی را خلق کرد، این بار نیز در معرض یک آزمون دیگر قرار گرفته است.

پارلمان این بار نیز باید بتواند از عملکرد خود در رابطه با رای اعتماد به وزرا دفاع کند.

وزاری که از پارلمان رای می گیرند و همین گونه وزاری که احتمالاً از پارلمان رای اعتماد نمی گیرند، باید در یک پروسه شفاف و دلایل قانع کننده برای مردم باشد.

اعتماد مردم بزرگترین سرمایه دولت است، و این اعتماد نباید توسط نهادهایی که می بایست حافظ و نگهدارنده اعتماد مردم باشند، شکسته شود. این امیدواری وجود دارد که در روزهای آینده به تمامی سئوالاتی که در ذهن مردم ایجاد شده است پاسخ داده شود.

هر روز از عمر حکومت وحدت ملی می گذرد سئوال های جدید برای مشروعیت و ادامه کار این حکومت مطرح می شود. روزگاری مردم خوشبین بود با شکل گیری حکومت جدید کار ها بسامان خواهد شد و وضعیت اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و امنیتی بهبود خواهد یافت. اما گذشت زمان نشان داده است که حکومت وحدت ملی قادر به برقراری ارتباط عقلانی با مردم و مشکلات اساسی و جدی مردم نبوده است. به نوعی می توان گفت که ارتباط میان دولت و مردم یک سویه شده است. دولت کمتر به فکر مردم و مشکلات مردم است. وضعیت به گونه ای است که نمی توان گفت که نخبگان حکومت وحدت ملی در فکر منافع نهاد ها و سازمان های عمومی دولتی است. عملکرد ها نشان می دهد که نخبگان حکومت وحدت ملی همچنان در فکر منافع شخصی و بهینه سازی قدرت خود است. عملکرد این چنینی حکومت وحدت ملی باعث شده است که کار ها بسامان نشود و نتیجه کارکرد ها و عملکرد های آن ها بازتاب منفی در جامعه داشته باشد.

بیش از چهل روز از ریزه شدن ۲۱ شهروند کشور گذشته است اما حکومت وحدت ملی هیچ کاری مهم و جدی در راستای رهایی این اسیران انجام نداده است. این مسئله واکنش های زیادی از شهروندان را برانگیخت. در شهر کابل، مزار، غزنی، بامیان و ... تظاهرات مدنی برگزار شد. بناسات این واکنش ها در قالب فعالیت های مدنی در داخل و خارج کشور ادامه یابد. رئیس جمهور غنی یک بار اعلان داشت که حکومت وحدت ملی اسیران را فراموش نکرده است و سکوت استراتژیک نموده است. سکوت استراتژیک او همچنان ادامه دارد. سکوت استراتژیک او بیش از آن که پیامد مثبت برای حکومت در پی داشته باشد، بیشتر منفی بوده است. با این حال، حکومت وحدت ملی همچنان سکوت استراتژیک خود را نشکسته است. ادامه سکوت استراتژیک و دست روی دست گذاشتن نخبگان وحدت ملی هزینه

بالای را روی شانه حکومت محتمل خواهد کرد. مشروعیت داخلی حکومت به حد اقل رسیده است. گردهمایی های شهروندان افغانستان در کشور های مختلف دیگر منجر به کاهش مشروعیت بین المللی حکومت نیز می شود. این هزینه کمی نیست. بدون شک، اعتراضات گسترده بر کارکرد های حکومت تاثیر گذار خواهد بود و حکومت در اجرای سیاست های خود درماتده خواهد شد. قبل از آن که وضعیت رو به وخامت رود، بهتر است که حکومت وحدت ملی اقدامات اساسی روی دست گیرد و اسیران ریزه شده را رها سازد.

جداً از مسئله سنی و یک اسیر ریزه شده، افزایش مالیات نیز اعتراضات گسترده ای را در پی داشت. اقدام دولت برای بالا بردن در آمد و عایدات داخلی امر نیک و پسندیده ای است. کاری در راستای خودکفایی است. اما دولت تا هنوز سیاست های دقیق و عقلانی ارائه نکرده است. بر اساس گزارش بانک جهانی دولت افغانستان تنها بر ۲۰ درصد فعالیت های اقتصادی کنترل و نظارت دارد و ۸۰ درصد دیگر خارج از کنترل دولت قرار دارد. عقلانی می نماید که حکومت به جای افزایش مالیات کنترل و نظارت خود را بر فعالیت های اقتصادی گسترش دهد. تحت کنترل در آوردن فعالیت های اقتصادی یکی از راه های عقلانی افزایش در آمد داخلی حکومت است. در کنار این مسئله، دولت تا هنوز سیاست مالیاتی خود را برای مردم ارائه نکرده است. درک سیاست های مالیاتی از سوی مردم امکان همراهی و همسویی را فراهم می کند. در صورت که سیاست وجود نداشته باشد، چگونه خوشبین باشیم که مردم حکومت را همراهی می کنند. بنابراین، در این زمینه نیز، حکومت نتوانسته است عقلانی عمل نماید.

افزایش مالیات در وضعیت های خاص صورت می گیرد. در صورت که دولت اشتغال زایی نماید و وضعیت اقتصادی را به صورت عموم بهبود بخشد و مردم بتواند به نیاز های اولی خود دسترسی

داشته باشد. در صورت که این مهم از سوی حکومت صورت نگرفته باشد، بدون شک، افزایش مالیات واکنش های منفی شهروندان را در پی خواهد داشت. بهبود وضعیت اقتصادی و بالا بردن رفاه مردم و افزایش مالیات عقلانی می نماید. اما بدون اشتغال زایی و ناتوانی مردم در تامین نیاز های اولیه افزایش مالیات غیر عقلانی و جفا در حق مردم است.

همان طور که در بالا بیان داشتیم؛ رابطه دولت و مردم یکسویه شده است. مردم تا هنوز رفتار نیکو از خود نشان داده است. به عنوان مثال؛ حکومت هزینه برق را بالا برد اما در عوض مردم را در تاریکی نگه داشت.

پایه های برق بر اثر برف کوچ در سالنگ از بین رفت اما دولت نتوانست این مشکل را حل نماید و مشکل بی برقی شهروندان را پاسخگو باشد. تعداد معدود از شهروندان تنها در فضای اجتماعی فس بوک نسبت به بی برقی اعتراض نمودند. اما به صورت سازمان یافته دست به اعتراض زدند. این در حالی است که گفته می شود بر اساس مطالعات و ارزیابی یک موسسه آلمانی سالنگ ظرفیت انتقال برق را ندارد و دولت باید برق را از راه بامیان و غور انتقال دهد.



تعمیر کند. رابطه یکسویه را به رابطه دو سویه تبدیل نماید. زیرا، رابطه یکسویه بیانگر کاهش مشروعیت حکومت را نشان می دهد. با مشروعیت پایین حکومت های خود را عمل سازد. همان طور که سیاست افزایش مالیات منجر به واکنش منفی شهروندان شد، دیگر سیاست های حکومت نیز، به احتمال زیاد با واکنش منفی مواجه خواهد شد.

اگر سیاست خارجی را ادامه سیاست داخلی بدانیم، در آن صورت نیز، حکومت ناچار است به ظرفیت ها و حمایت های مردم توجه جسدی مبذول دارد. بدون این مهم، کشور های دیگر نیز حکومت افغانستان را جدی نخواهد گرفت. بنابراین، شخص رئیس جمهور، محمد اشرف غنی باید بازنگری جسدی بر کارکرد ها، رفتار ها و سیاست های خود داشته باشد. این احتمال وجود دارد که ادامه اعتراضات و ناراضیاتی ها سبب رفتار سازمان یافته عمومی گردد و برای ادامه کار حکومت وحدت ملی مشکل جسدی ایجاد نماید.

بنابراین، بهتر است از نروش دارو قبل از مرگ استفاده شود. نوش دارو بعد از مرگ چه بکار آید؟

شهروندان و همچنین واکنش برخی دیگر از نهادهای دولتی را بر می انگیزد. نتیجه شکاف بین جامعه و دولت و همچنین شکاف در خود دولت است. بخش مهمی از شورشهای اعتراضی امروز نه در واکنش به آنچه سرکوبهای وحشیانه و تاخولانه دولت می نماید رخ می دهند. دولت همچنین اداره زندگی مردم را به دست گرفته و وارد گستره زندگی شخصی مردم می شود. تنظیم زندگی خانوادگی، جنسی و اجتماعی افراد امروز

رخ می دهد. حال تا آنگاه که خواست توده ها در سازگاری با وظایف کلی دولت و ساختار جامعه قرار دارد دموکراسی مشکل آفرین نیست ولی آنگاه که خواست مردم شکل و سیمای دیگر به خود می گیرد، دولت در وضعیتی بحرانی قرار می گیرد. دولت با باید به خواست مردم وقعی نهد و خود را در تقابل با آنها قرار دهد یا با بنیاد ساختاری و وظایف اصلی خود در اقتد و بحرانی بزرگتر برای خود بیازیند. ۴- دخالتاتی سرکوب گرانه کار دولت اعمال حاکمیت است تا آنگونه

شهروندان و همچنین واکنش برخی دیگر از نهادهای دولتی را بر می انگیزد. نتیجه شکاف بین جامعه و دولت و همچنین شکاف در خود دولت است. بخش مهمی از شورشهای اعتراضی امروز نه در واکنش به آنچه سرکوبهای وحشیانه و تاخولانه دولت می نماید رخ می دهند. دولت همچنین اداره زندگی مردم را به دست گرفته و وارد گستره زندگی شخصی مردم می شود. تنظیم زندگی خانوادگی، جنسی و اجتماعی افراد امروز



به عهده دولت واگذار شده است. انسانها مدام دولت را کنار و مقابل خود می یابند؛ دولتی که برای هر کنش و رفتاری مقررات، توصیه و دستور کار دارد. اینجا ما با پدیده های روبرو هستیم که فوکو آنرا زیست سیاست (biopolitics) و هابرماس استعمار زیست جهان (یا جهان زندگی/lifeworld) می نامد. به هر رو، ابعاد دخالت دولت، به خودی خود، بحران نمی آفریند. بحران آنهانگام شکل می گیرد که دخالتها دلبخواهی و جهت دار ارزیابی می شوند. در شرایطی که دولت فریه و از هم گسیخته شده است بسیاری از اقدامات دولت چنین وجهی پیدا می کنند. دولت باید مدام چهاره ساماندهی زندگی مردم تعمیم بگیرد. این تصمیعها را دولت نمی تواند در سازگاری با خواست مردم انجام داد. اساساً امکان ارزیابی از خواست مردم وجود ندارد. دولت باید به منافع کلی ساختار اقتصادی و اجتماعی جامعه و دیدگاه متخصصین توجه نشان دهد. اینجا است که دولت به سان دستگاهی سرکوب گر ولی همزمان سر درگم ظاهر می شود. ادامه دارد

روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

از کارکرد و سیاستهای دولت شده است. در بسیاری از عرصه های زندگی اجتماعی پایش رفتارها به عهده دولت نهاده شده است. دیگر، در بسیاری از عرصه ها، نه جامعه و نهادهای اجتماعی و اخلاقی می مقرررات و نظام تنبیهی دولت شکل مطلوب جامعه و نهادهای اجتماعی و اخلاقی می رفتار را مشخص می سازند. مشخص است که انجام همه این کارها هزینه بر است. بودجه هنگفتی باید به مجموعه این کارها اختصاص یابد. مردم باید یا با پرداخت مالیات یا به وسیله پذیرش واگذاری منابع عمومی این بودجه را تأمین کنند. برای همین کار نیز نهادهای قدرتمندی ایجاد شده اند و به اتکاء تنبیه و زور به جمع آوری مالیات و در برخی مناطق جهان نیروی کار (بطور نمونه سرباز وظیفه) می پردازند. این خود دولت را فریه تر ساخته است.

مسئولیت های انبوه و متفاوت به سختی با یکدیگر سازگار هستند. دولت باید همزمان هم امنیت را تأمین کند هم به درمان و بازپروری انسانهای آسیب دیده از فرایند زندگی و کار پردازد. این وظایف گاه حتی متناقض هستند. نهادهای از آن وظیفه سرکوب را به عهده دارد ولی نهاد دیگری مأمور بازپروری تنبیه شدگان و به حاشیه راندگان است. بخشی از آن انسانها را مجبور به تن در دادن به ضرورت های اقتصادی می سازد، بخشی دیگر تأمین زندگی فقرا، بیکارها و بیامان را به عهده دارد. در این فرایند، بدنه دولت بیش از پیش گرفتار از هم گسیختگی و خردگریزی شده است. کوشش در جهت رفع این مشکل و برقراری انجام سرکوب را به درون خود دولت کشانده است. دولت مجبور شده است گاه یکی از وظایف کلی خود همچون ایجاد عدالت را فدای کارآمدی یا برعکس کارآمدی را فدای برخوردی یکسان به کلیه شهروندان کند.

۲- وجودی متناقض فریبهی دولت هزینه فوق العاده ای را به جامعه تحمیل می کند. شهروندان باید این هزینه را تأمین کنند. این در خود شاید مشکل ساز باشد ولی بحران آفرین نیست. بحران آنگاه شکل می گیرد که شهروندان دولت را آنگاه که نیاز به واکنش آن دارند پاسخگو نمی یابند. در فریبهی و از هم گسیختگی، دولت به سختی می تواند در سازگاری با خواست توده ها و تحول در شرایط (زندگی اجتماعی) متحول شود. مسئله اینجا کندی و ناکارآمدی کلی دولت در مقایسه با هزینه ای است که کارکرد آن بر شهروندان تحمیل می کند. ناراضیاتی



روزنامه افغانستان از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می نماید. هیئت تحریر در ویرایش مطالب باز دارد. مقالات وارده بازگردانده نمی شود. مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سرمقاله بیاتگر دیدگاه روزنامه افغانستان میباشد. روزنامه افغانستان بخش دری و پشتوی روزنامه اوت لوک افغانستان است. www.dailyafghanistan.com Email: thedailyafghanistan@yahoo.com

افغانستان The Daily Afghanistan Outlook AFGHANISTAN The Leading Independent Source

- صاحب امتیاز: دکتر حسین یاسا
مدیر مسول: محمد رضا هویدا
سرمدیر: حقیقت الله زکی
کارکاتوریست: خالق علی زاده
دیزاین: محمد صالحی، علی اصغر زاهدی
مسئول وب سایت: محمد علی بوهامی
آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۷-۱۳۷